

۲۴۸۲۵۱



قوی سیاہ

تأثیر یک رویداد بسیار غیرمحمتمل

www.ketab.ir

نسیم نیکولاس طالب

مینا امیری

سرشناسه

عنوان ز: ام پدیدآور

مشخصات نشر

مشخصات ظاهری

شابک

وضعیت فهرست نویسی

یادداشت

یادداشت

عنوان دیگر

موضوع

شناسه افزوده

رده بندی کنگره

رده بندی دیویی

شماره کتابشناسی ملی

اطلاعات رکورد کتابشناسی

طالب، نسیم نیکولاس، ۱۹۶۰ - Nassim Nicholas Taleb، م.

قوی سیاه : تأثیر یک رویداد بسیار غیرمحتمل / نسیم نیکولاس طالب : مینا امیری.

تهران: شاهدخت پاییز، ۱۴۰۰.

۳۶۸ ص، ۵/۱۴ × ۵/۲۱ س.م.

978-622-6847-78-0

فیبا

The black swan : the impact of the highly improbable،

عنوان اصلی:

c2007.

کتاب حاضر قبلا در سال‌های مختلف توسط مترجمان و ناشران متفاوت منتشر شده است.

تأثیر یک رویداد بسیار غیرمحتمل.

عدم قطعیت (نظریه اطلاعات) - جنبه‌های اجتماعی

Uncertainty (Information theory) -- Social aspects

آیندنگری Forecasting

امیری، مینا، ۱۳۴۷ - مترجم

Q۳۷۵

۰۰۳/۵۴

۸۵۴۱۹۸۴

فیبا

قوی سیاه

نسیم نیکولاس طالب

مینا امیری

ویراستار: فریبرز سیفی / برهموسی

ناشر: انتشارات شاهدخت پاییز

ناظر چاپ: اسدالله کبیری

نوبت چاپ اول ۱۴۰۰ تیراژ ۱۰۰۰ نسخه

شابک: ۰ - ۷۸ - ۶۸۴۷ - ۶۲۲ - ۹۷۸



میدان انقلاب، خیابان فخررازی، کوچه فراهانی شرقی پلاک ۲۴ طبقه اول

تلفن: ۶۶۴۹۷۸۹۲ - ۶۶۴۹۳۸۵۵ - ۰۹۱۲۶۵۰۹۴۷۸

«کلیه حقوق مادی این اثر متعلق به اسدالله کبیری می‌باشد»

فهرست مطالب

دیباجه	۷
بخش ۱: ضد کتابخانه‌ی اومبرتواکو یا نحوه‌ی جستجوی اعتبارسنجی	۲۳
فصل ۱: کارآموزی شنکاک تجربی	۲۵
فصل ۲: قوی سیاه یوگنیا	۴۷
فصل ۳: روسپی و سوداگر	۵۰
فصل ۴: هزار و یک، یا چگونه به یک احمق تبدیل شویم	۶۴
فصل ۵: تأیید	۷۹
فصل ۶: مغالطه‌ی داستانی	۹۳
فصل ۷: زندگی در سرسرای امید	۱۲۱
فصل ۸: سرنوشت گریزناپذیر جاکومو کازانوواس	۱۳۸
فصل ۹: مغالطه‌ی بازی‌انگاری یا عدم قطعیت خنگول	۱۶۴
بخش ۲: به هیچ وجه نمی‌توانیم پیش‌بینی کنیم	۱۷۹
فصل ۱۰: اختضاح پیش‌بینی	۱۸۱
فصل ۱۱: چگونه دنبال فضله‌ی پرنده بگردیم	۲۱۵
فصل ۱۲: شناخت سالاری، یک رؤیا	۲۴۵
فصل ۱۳: آپلس نقاش یا اگر نمی‌توانید پیش‌بینی کنید چکار می‌کنید	۲۵۷
بخش ۳: قوهای سیاه سرزمین رویدادهای پر تأثیر	۲۷۱
فصل ۱۴: از رویدادهای کم تأثیر به سمت رویدادهای پر تأثیر و بازگشت دوباره	۲۷۳

دیاچه

سوار بر بال پرندگان

مردم دنیای قدیم قبل از کشف استرالیا متقاعد شده بودند تمام قوها سفید هستند. این یک اعتقاد غیر قابل انکار بود که شواهد تجربی به صورت کامل آن را تأیید می کردند. شاید مشاهده‌ی اولین قوی سیاه، برای تعدادی از پرندشناسان (و سایر محققان در حوزه‌ی رنگ پرندگان) جالب بوده باشد اما اینجا داستان مهم نیست! اهمیتش در این است که نشان می دهد آموزه‌های به دست آمده از مشاهدات و تجارب ما بسیار محدود و دانش ما بسیار ضعیف است. مشاهده‌ی همین یک قو به رنگ سیاه، ادعای سفید بودن تمام قوها بر اساس هزاران سال مشاهده‌ی قطعی را بی اعتبار می کند. فقط کافی است یک قوی سیاه (و به نظر دیگران، زشت) را مشاهده کنید!

پا را فراتر از این موضوع فلسفی - منطقی در قالب یک واقعیت تجربی که از کودکی ذهنم را به خودش مشغول کرده است می گذارم.^۲ چیزی که در اینجا نامش را قوی سیاه گذاشته‌ام یک رویداد با سه ویژگی زیر است:

۱) رواج موبایل‌های دوربین دار به خوانندگان کتاب‌هایم امکان داد مجموعه بزرگی از عکس‌های قوهای سیاه خود در سفرهایشان را برای من ارسال کنند. کریسمس سال گذشته، یک ویدئو (البته نگاه نمی کنم) و دو کتاب با این موضوع برایم ارسال کردند. عکس‌ها را بیشتر دوست دارم.

۲) از استعاره منطقی قوی سیاه برای اشاره به رویدادهای قوی سیاه استفاده می کنم اما این مسئله را نباید با مسئله منطقی مطرح شده توسط اغلب فیلسوفان اشتباه گرفت. بیشتر درباره نقش پررنگ رویدادهای شدید در بسیاری از عرصه‌های زندگی است تا درباره استثنائات. به علاوه، این مسئله منطقی به احتمال وقوع استثنا (قوی سیاه) می پردازد اما مسئله من در مورد نقش رویداد استثنایی

اول، غیرمعمول است زیرا خارج از دامنه‌ی انتظارات معمول قرار دارد و در گذشته اصلاً روی احتمال وقوع آن تأکید نشده است. دوم، (برخلاف پرندگان دیگر) تأثیری عظیم دارد. سوم، باوجود غیرمعمول بودن، بعد از اینکه اتفاق افتاد ذات انسانی ما هر جور دلیلی را جور می‌کند تا آن را توجیه‌پذیر و قابل پیش‌بینی نشان بدهد.

بهتر است اکنون سه ویژگی بالا را این‌گونه خلاصه کنیم: کمیابی، تأثیر شدید و قابلیت پیش‌بینی قبل از وقوع (یا بعد از آن)^۱. تعداد انگشت‌شماری قوی سیاه همه‌چیز را در دنیای ما توجیه می‌کنند از موقعیت ایده‌ها و مذاهب گرفته تا برسد به دینامیک‌های رویدادهای تاریخی و مؤلفه‌های زندگی شخصی خودمان. بعد از دوران پلیستوسن یعنی از ده هزار سال پیش تاکنون، تأثیر قوهای سیاه، رو به افزایش گذاشته است. این افزایش در طی انقلاب صنعتی، شتاب گرفت زیرا دنیا پیچیده‌تر شد اما رویدادهای معمولی یعنی آن‌هایی که هر روز در روزنامه‌ها می‌خوانیم و درباره‌ی آن‌ها بحث می‌کنیم اهمیت خودشان را از دست دادند و به حاشیه رانده شدند.

فقط ببینید درک شما از جهان قبل از رویدادهای سال ۱۹۱۴ به‌ندرت می‌توانست به شما کمک کند حدس بزنید بعد از آن چه رویدادهایی در راه است (لطفاً خودتان را با رجوع به توضیحات معلم دوران دبیرستان‌تان که به خاطر سپرده‌اید فریب ندهید). در مورد ظهور هیتلر و جنگ بعد از آن چه؟ در مورد سقوط بلوک شرق چه؟ در مورد پیامدهای ظهور فنودالیسم اسلامی چه؟ در مورد تأثیر گسترش اینترنت چه؟ در مورد فروپاشی بازار در سال ۱۹۸۷ (و بهبود غیرمنتظره‌ی آن) چه؟ در مورد مدها، بیماری‌های فراگیر، ایده‌ها و حضور ژانرها و مکاتب هنری چه؟ همگی و درواقع، تقریباً هر چیز مهمی در پیرامون شما تابع این دینامیک‌های قوی سیاه هستند.

این ترکیب قابلیت پیش‌بینی ضعیف و تأثیر قدرتمند، قوی سیاه را به یک معمای بزرگ تبدیل کرده است اما دغدغه‌ی اصلی در کتاب حاضر، چیز دیگری است. به این پدیده باید این واقعیت را افزود که می‌خواهیم وانمود کنیم اصلاً نمی‌دانیم قوی سیاه چیست! منظورم فقط من یا شما یا فلائی نیست بلکه تمام «دانشمندان علوم اجتماعی»

(قوی سیاه) است که قابلیت پیش‌بینی را کاهش می‌دهد و به‌ضرورت پرهیز از قوهای منفی و استقبال از قوهای مثبت تأکید دارد.

ارویدادهایی هم که منتظر آن هستیم اما رخ نمی‌دهد یک قوی سیاه است. توجه داشته باشید به همین ترتیب، رخداد یک رویداد بسیار غیرمحمّل، معادل با رخ ندادن یک رویداد محتمل است.

است که بیش از یک قرن به اشتباه بر این باور بوده‌اند که ابزارهایشان قادر به اندازه‌گیری عدم قطعیت است! در واقع، استفاده از علوم حاوی داده‌های دارای عدم قطعیت برای برطرف کردن مشکلات در دنیای واقعی، تأثیرات افتضاحی به‌جا گذاشته است. خودم این تأثیرات را بالخصوص در حوزه‌های مالی و اقتصادی مشاهده کرده‌ام. از مدیر پورتنوی خودتان بخواهید «ریسک» را تعریف کند. در کمال تعجب خواهید دید احتمال قوی سیاه در معیار او برای تعریف این مفهوم جا داده نشده است - از این‌رو صد رحمت به طالع‌بینان که از قدرت پیش‌بین بالا برای ارزیابی خطرات برخوردار هستند (می‌بینیم با کمک محاسبات ریاضی چگونه هوشمندانه کلاه‌برداری می‌کنند). این مشکل در علوم مرتبط با جامعه، بسیار رایج است. ایده‌ی اصلی کتاب حاضر این است که به جهالت ما نسبت به مسئله‌ی غیرمحمتمل بودن امور به‌ویژه، کژتابی‌هایی از این قبیل بپردازد: چرا ما، دانشمندان و مردم عادی، متخصصان و غیرمتخصصان تمایل داریم به‌جای دلار، پنی ببینیم؟ چرا همیشه روی جزییات متمرکز می‌شویم و رویدادهای مهم را نادیده می‌گیریم باوجود اینکه تأثیر این رویدادها از آن جزییات به‌مراتب، بیشتر است؟ چرا روزنامه خواندن باعث می‌شود دانش شما نسبت به جهان پایین بیاید؟! به‌آسانی می‌توان فهمید زندگی، تجلی‌گاه صدها حادثه‌ی مهم است! به‌آسانی می‌توان در هر وضعیتی، نقش قوهای سیاه را تشخیص داد. تمرین زیر را انجام بدهید: نگاهی به وجود خود بیندازید. رویدادهای مهم یا تغییرات فنی و اختراعاتی را بشمارید که از بدو تولدتان در جهان رخ داده‌اند و آن‌ها را با چیزهای قبل از ظهورشان مقایسه کنید. چه تعداد از آن‌ها طبق برنامه‌ی پیش‌بینی‌شده رخ داده‌اند؟ نگاهی به زندگی شخصی خود، شغل‌تان، دیدارتان با معشوق، خروجتان از کشور مادری، خیانت‌هایی که دیده‌اید و فقر و ثروتی که چشیده‌اید بیندازید! کدام‌یک از این موارد طبق برنامه‌ی پیش‌بینی‌شده رخ داده‌اند؟

چیزی که بدون شک نمی‌دانید

منطق قوی سیاه بیشتر مربوط به چیزهایی است که نمی‌دانید تا چیزهایی که می‌دانید.^۱ فرض کنید بسیاری از قوهای سیاه به‌صورت غیرمنتظره رخ می‌دهند و تکثیر می‌شوند.

^۱قوی سیاه، حاصل محدودیت‌های شناختی فردی و جمعی (یا تحریف) به‌ویژه در دانش است. یک پدیده‌ی عینی نیست. اشتباه اصلی در تفسیر قوی سیاه من، این است که خواننده تلاش کند آن را